

مشارکت‌پذیری یکی از زمینه‌های مهم رسیدن به توسعه پایدار است. چنانچه اعضای جامعه در برنامه‌های متفاوت سیاسی اجتماعی از درجه مشارکت‌پذیری بالاتری برخوردار باشند. برنامه‌های توسعه سریع‌تر به نتیجه خواهند رسید. از سوی دیگر میزان مشارکت افراد در جامعه، خود معلول عوامل دیگری است از عوامل فردی و شخصیتی گرفته تا عوامل ساختاری می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد و نیز این تصور و ادراک شهودی در جامعه ما وجود دارد که ما معمولاً در کارهای انفرادی موفقیم و در کارهای تیمی و گروهی ناموفق، به نظر می‌رسد گرایش فردگرایانه‌ی در ناخودآگاه ذهن اکثریت هموطنان ما جای گرفته است که به طور معمول ریشه اجتماعی دارد و از فرایند ناقص اجتماعی شدن ما سرچشمه گرفته است. بدین صورت هرکس در یک دنیای جدا و مستقل از دیگران به سر می‌برد و روابط اجتماعی در سطح نازل و بدون ساخت و در نتیجه ناپایدار است و بنابراین انسجام اجتماعی¹ تحقق نمی‌یابد و یا ضعیف است. نمودهای عینی این معضل اجتماعی در ناهماهنگی انجام کارهای گروهی حتی در سطوح آموزش عالی و تشکل‌های سیاسی و احزاب و یا در عدم گسترش حلقه‌های ارتباط اجتماعی و گروهی در اقشار مختلف جامعه و نیز تشکل‌های حرفه‌ای در قالب اتحادیه‌ها، سندیکاها و تعاونی‌ها در سطح کارگران و کارمندان و سایر حرف کاملاً مشهود است. ریشه‌های فرایند ناقص اجتماعی کننده و فقدان انسجام اجتماعی را در کجا بیابیم؟

براساس تئوری سلسله مراتب نیازها ریشه‌ی بسیاری از مشکلات اجتماعی در برآورده نشدن نیازهای ثانویه است که تعلق اجتماعی از جمله این نیازها می‌باشد. "امیل دورکیم" در تئوری کنترل اجتماعی می‌گوید: اساسی‌ترین شیوه‌های کنترل اجتماعی جهت تأثیر بر رفتار انسان آموزش رفتار اجتماعی است. پارسونز² جامعه‌پذیری را مجموعه‌ای از فرآیندهایی می‌داند که به مدد آن‌ها اجتماعی شدن افراد تحقق یافته و از طریق آن فرهنگ انتقال می‌یابد. وی معتقد است جامعه‌پذیری یکی از عوامل مهم انگیزش رفتارهای اجتماعی قلمداد می‌گردد که در برخورد فرد با نظام‌های ارتباطی از جمله خانه، دوستان و مدرسه شکل می‌گیرد. بنابراین چنانچه مشارکت فرد در این نظام‌ها تضعیف شود شخصیتش دچار آسیب می‌گردد.

از آن جایی که ریشه‌ها و عوامل اولیه اجتماعی کننده را می‌بایست مورد توجه قرار داد که یکی از عوامل مهم در روند اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان، مدرسه است. مدرسه می‌تواند "خاص‌گرایی‌هایی" که از خانواده نشأت گرفته و رفتار اجتماعی دانش‌آموزان را تحت‌الشعاع قرار داده را به سمت عام‌گرایی سوق دهد. برای بقای جامعه اعضای آن باید با هم همکاری کنند و نیز نخستین مشارکت‌های نسبتاً سازمان یافته

1. Socialintegration

در مدارس قابل تحقق است. مدرسه می‌تواند محیطی برای تمرین مشارکت‌جویی دانش‌آموزان و نیز مشارکت‌پذیری را در آن‌ها نهادینه نماید. اما آیا تمامی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه به یک میزان مشارکت دارند یا برخی از مشارکت‌پذیری بالاتری برخوردارند؟ چه عواملی بر میزان مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر بیشتری دارد؟ پرسش‌های مطرح شده مسئله تحقیق را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق عوامل فردی، پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان، امکانات مدرسه برای فعالیت‌های فوق برنامه، نوع اداره مدرسه و روش برخورد والدین با دانش‌آموزان به عنوان متغیرهای اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.